

## اندیشه هادی بود هدایت جویان را

امام علی بن محمد هادی (ع) (212-254هـ) را باید از پر نقش‌ترین ائمه علیهم‌السلام دانست در دورانی که نامش را سفارت و وکالت نهاده‌اند؛ (329-203هـ.ق).



امام علی بن محمد هادی (ع) (212-254هـ) را باید از پر نقش‌ترین ائمه علیهم‌السلام دانست در دورانی که نامش را سفارت و وکالت نهاده‌اند؛ (329-203هـ.ق).

هنگامه‌ای که امامان و پیروانشان را از ارتباط رودررو با یکدیگر محروم ساخته بودند. این پرنقشی و فعال بودن را البته باید مرهون 2 عامل دانست؛ یکی طولانی بودن دوران امامت ایشان، از 220هـ. ق تا 254هـ.ق، یعنی چیزی در حدود 33 سال به طول انجامیده است. دیگری که عامل نخست را نیز باید معلول آن دانست، بی‌ثباتی حاکم بر خانواده حاکم و جابه‌جایی پی در پی حاکمان عباسی است.

در این دوران بسیار کوتاه به لحاظ سیاسی تنها 6 خلیفه عباسی بر تخت خلافت نشسته‌اند. امام که در میانه حکومت معتصم، برادر مأمون (227-217هـ. ق) و در سن 8 سالگی به امامت شیعیان رسیده بود 5 خلیفه دیگر را نیز تجربه کرده که پرمعرتربینشان، واثق پسر معتصم با 5 سال حکومت (227-232هـ) بود.

برخی از ایشان چون پسر متوکل تجربه حکومت 6 ماهه داشته‌اند. (6 ماه از سال 248)، امر دیگری که بر این برهان پامی‌فشارد شهادت امام هادی است در میانه حکومت معز پسر دیگر متوکل (252-255)، حکومت وی را آغاز ثبات دوباره عباسیان دانسته‌اند. این جستار به مناسبت سالروز شهادت امام هادی در 3 رجب سال 254 هـ. ق در سامرا، سامان یافته است. در این مقال بیشتر به جنبه‌های فقهی و کلامی و تکاپوهای فرهنگی ایشان می‌پردازیم.

تکاپوهای فقهی: امام هادی در 8 سالگی به امامت رسید و این پدیده گرچه بر شیعیان به‌خاطر امامت امام جواد در 7 سالگی ناآشنا نبود، اما زمانی گذشت تا ایشان با این حقیقت انس گیرند. در این دوره 20 ساله تا قبل از حکومت متوکل نیز، ابهام فراوانی بر زندگی امام سایه افکنده. این ابهام تا آنجاست که مورخ بزرگی چون شهرستانی درباره محل زندگی و مدفن ایشان به اشتباه افتاده است. از طرف دیگر، عصر امام هادی به لحاظ فقهی، زمانه‌ای است که اقلاً 5 مذهب فقهی دیگر که طبیعتاً با مبانی فقهی و کلامی امام‌هادی (ع) سر سازگاری نداشته‌اند، با ثبات فراوان، برقرار بوده‌اند.

هرچند مذهب حاکم بر دربار عباسی حنفی بوده است. ریشه تسلط این مذهب را باید در ورود فقهایی چون ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی جست‌وجو کرد که برخلاف توصیه استادشان، ابوحنیفه، به دستگاه خلافت هارون وارد شدند و مناصبی چون قاضی‌القضاتی را تصرف نمودند و پس از آن شاگردان و همفکران مذهبی خویش را برتری دادند بر مناصب قضایی شهرهای مختلف. در دوران امام هادی یکی از ایشان، یحیی بن اکثم، سال‌ها بود که منصب قاضی‌القضاتی را برعهده داشت و علاوه بر آن به‌مثابه مفتی اعظم نیز عمل می‌نمود. علت دیگر نفوذ این مذهب را باید در ساده‌گیری و قابلیت انعطاف و صف‌ناپذیر آن دانست که با شرایط بسیار متفاوت و گوناگون قابلیت تطبیق دارد و این البته ناشی از متدولوژی رایج در اصول فقهی ایشان است که نسبت به پذیرش احادیث پیامبر اعظم (ع) بسیار سخت‌گیرند و به اصولی چون قیاس، رأی، استحسان و مصالح مرسله اهمیت فراوان می‌دهند و آن را در استنباط احکام شرعی در جایگاه احادیث پیامبر می‌نشانند. از این‌رو باید مذهب حنفی را در این عصر، مذهب غالب بدانیم هرچند در برخی زمان‌های کوتاه، به علت تمایل شخصی خلیفه، عقیده دیگری حکمفرمایی می‌کرده است. چنانکه در عصر متوکل برادر واثق (248-234 هـ. ق) اهل حدیث بر دیگر مذاهب برتری یافتند.

امام بیشترین مواجهه فقهی را در این عصر با حنفیان و به طور مشخص با یحیی بن اکثم داشت. 3 برخورد فقهی به‌صورت مشخص در این باره قابل ذکر است. الف) حنفیان چندان باوری به اصلاح حاکم و اندرزگویی او ندارند. و به عبارت دقیق در آموزه نصیحت &#171;والیان امر؛ چندان لزومی در نظرگاه ایشان نمی‌یابد. یک بار که ایشان از امام نزد خلیفه متوکل سعایت و بدگویی کرده بودند و او را بدان تهمت متهم کرده بودند که عزم شورش دارد، متوکل امام را احضار نمود. متوکل که مست بود امام را دعوت به نوشیدن شراب نمود اما با امتناع امام مواجه گردید. دست آخر امام را مجبور کرد که شعری بخواند و به بزم مجلس بیفزاید.

امام فرصت غنیمت شمرد و در قالب شعر به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت: &#171;حاکمان بر قله کوهسارها شب را به روز آوردند، در حالی که مردان نیرومند از آنان پاسداری می‌کردند، ولی قله‌ها نتوانستند آنان را از خطر مرگ برهانند. آنان پس از مدت‌ها عزت از جایگاه امن خویش به زیر کشیده شدند و در گودال‌ها جاگیر، چه منزل و آرامگاه ناپسندی. پس از آنکه به خاک سپرده شدند، فریادگری فریاد برآورد: کجاست آن دست‌بندها و تاج‌ها و لباس‌های فاخر...&#171; (مسعودی، مروج‌الذهب، ج 4، ص 11)

تأثیر کلام امام بر متوکل چنان بود که متوکل به سختی گریست و نیز به مجلسیان دستور داد تا بساط طرب را جمع کنند و 4 هزار درهم نیز به امام داد و آن حضرت را با احترام به خانه بازگردانید. ب) کیفر مسیحی زناکار تازه مسلمان، روزی یک مسیحی (تازه مسلمان شده) را که با زن مسلمانی زنا کرده بود نزد متوکل آوردند. یحیی بن اکثم که قاضی‌القضات بود گفت: اسلام او کفرش و عمل ناپسندش را از میان برده است و نباید حد بخورد. برخی فقها به گونه‌ای دیگر فتوا دادند. اختلاف فتوا باعث گردید تا متوکل از امام هادی نیز استفتاء نماید. ایشان مرقوم کردند: &#171;آنقدر شلاق می‌خورد تا بمیرد.&#171;

این فتوای امام با مخالفت بسیار شدید علماء و فقهای حاضر در مجلس و به خصوص متوکل روبه‌رو گردید. متوکل مجبور شد تا از امام مستند فقهی این فتوا را طلب کند. امام نیز اینگونه مرقوم نمودند:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده وكفرنا بما كنا به مشركين فلم يك ينفعمهم ايمانهم لما رأوا بأسنا سنه الله التي قد خلت في عباده و خسر هنالك الكافرون؛ [غافر/84-85]؛ پس چون سختی عذاب ما را دیدند گفتند: فقط به خدا ایمان آوردیم و بدان چه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم. ولی هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، دیگر ایمانشان برای آنها سودی نداد. سنت خداست که از دیرباز درباره بندگانش چنین جاری شده، و آنجاست که ناباوران زیان کرده‌اند. (وسائل‌الشیعه، ج 18، ص 408، باب 36 از ابواب حدالزنا) امام با این فتوا ضمن اینکه جای هیچ‌گونه تردیدی در فتوای خود باقی نگذاشتند، به متوکل نشان دادند، کسانی که مناصب مهمی چون قاضی‌القضاتی را تصرف کرده‌اند، در واقع لیاقت و شایستگی آن را ندارند.

ج) متوکل بیمار گردید و نذر کرد که در صورت بهبودی مال 171#؛ کثیری؛ از جنس دینار، صدقه دهد. پس از شفا یافتن از فقها، سؤال نمود کثیر چه مقدار است. هر یک نظری دادند. متوکل ناگزیر شد تا از امام بپرسد. امام پاسخ داد، باید 83 دینار بپردازی، فقها بسیار متعجب شدند و با کنجکاوی از متوکل خواستند تا از امام مستند فتوایش را بخواهد. امام این‌گونه پاسخ گفت: خداوند در قرآن می‌فرماید: 171#؛ ولقد نصرکم‌الله فی مواطن کثیره؛ [توبه/25]؛ قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است...؛ از سوی دیگر اتفاق نظر وجود دارد که غزوه‌ها و سریه‌های زمان پیامبر(ص)، 83 مورد بوده است. بنابراین باید 83 دینار بپردازی (تذکره‌الخواص، سبط بن جوزی، ص 360)

تکاپوهای کلامی: در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری نخستین مکاتب کلامی به تدریج شکل می‌گرفت. در عصر امام هادی، لاقل به استثنای شیعه، ده‌ها نحله کلامی دیگر وجود داشته است. گرچه زیدیه، معتزله، اشاعره و خوارج در این دوران بیش از دیگران فعال بودند، اما مبارزه کلامی امام بر مواجهه با غالیان شیعه تمرکز یافته بود.

برداشت امام در اولویت دادن مبارزه با غالیان را باید به چند دلیل درست دانست: یکی اینکه ایشان امور خارق‌العاده‌ای را به امام نسبت می‌دادند و نفی نکردن این امور می‌توانست اساس مذهب شیعه را از میان بردارد. دوم، اینکه این گروه‌ها عموماً قصد داشتند تا با ارائه تفسیرهای انحرافی، از ظواهر و شعائر اسلامی عبور کنند و محرمات را حلال بشمارند؛ امری که لاقل در میان اشاعره و معتزله دیده نمی‌شد. سوم، اینکه ایشان چشم طمع به سهم امام دوخته بودند و قصد داشتند تا با معرفی خویش به‌عنوان نمایندگان امام، این اموال را که شیعیان از سر اخلاص و به قصد امتثال اوامر دینی، می‌پرداختند، غصب نمایند. چهارم، اینکه ایشان در مراکز حساس و اصلی شیعیان چون قم می‌زیستند و این خطر وجود داشت تا آموزه‌های ایشان بر عوام اثر بگذارد و ایشان را گمراه نماید. این علل را همچنین می‌توان در نامه‌هایی که امام به‌صورت سرگشاده برای برخی از سران ایشان ارسال داشته است، مشاهده نمود. (طوسی، اختیار معرفه‌الرجال، ص 519 و ص 520)، در عین حال نباید امام را به کلی فارغ از نزاع‌های کلامی آن عصر دانست. موضع‌گیری ایشان درباره فتنه خلق یا قدیم بودن قرآن که از عصر مأمون آغاز گردیده بود و دعوت نمودن شیعیان به پرهیز از ورود به این مباحث فتنه‌انگیز یکی از این موارد است.

ایشان در پاسخ یکی از شیعیان بغداد که از این موضوع سؤال کرده بود، چنین نگاشته است: 171#؛ به نام خدا،... خالق جز خدا نیست، به جز او همه مخلوقند، قرآن نیز کلام خداست و از جانب خدا اسمی بر آن مگذار؛ (توحید صدوق، ص 224).

همشهری آنلاین - سهند صادقی بهمنی